

الگوی پارادایمی نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی در ایران (با رویکرد کیفی داده‌بنیاد)

زهره محمدی^۱، مجید گلپور^۲، بهناز اژدری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

چکیده:

آگاهی سیاسی، مهارتی قابل یادگیری و توسعه‌پذیر است و از موضوع (زیست اجتماعی بشر)، هدف (دانایی و توانایی در تصمیم‌گیری امور جمعی) و غایت (یافتن یا ساختن راه‌های سعادت بشر در اجتماع) علم سیاست جدا نیست. از این رو، آگاهی‌بخشی سیاسی نه یک محصول جانبی، بلکه از کارویژه‌های اصلی علوم سیاسی محسوب می‌شود. مقاله حاضر نیز با توجه به اهمیت آگاهی سیاسی شهروندان به مثابه یک سرمایه ملی پایدار با هدف ترسیم الگوی نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد صورت پذیرفته است. برای این منظور، ۱۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته تخصصی با اساتید علوم سیاسی صاحب‌نظر در حوزه آگاهی سیاسی انجام شد که تحلیل متن آنها در فرآیند کدگذاری باز به ظهور ۴۲۶ کد اولیه معطوف به ۱۳۶ مفهوم انتزاعی در قالب ۲۵ مقوله منجر شد. این مقوله‌ها به پیروی از الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین در شش طبقه شامل پدیده محوری (آگاهی‌بخشی سیاسی) و شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای آگاهی‌بخشی سیاسی به‌واسطه علوم سیاسی به یکدیگر مرتبط شدند. وفق یافته‌های مقاله، شرایط علی شامل منابع انسانی علوم سیاسی، ماهیت علم سیاست، گستره کنش، گروه‌های علوم سیاسی، کانال‌های ارتباطی، کارویژه‌های حرفه‌ای و عوامل روانشناختی بیشترین تأثیر را بر راهبردهای ارتقای نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی می‌گذارند. این راهبردها در درجه دوم از مؤلفه‌های دارای منشأ بیرونی اعم از جامعه و دولت و زیرمجموعه‌های آنها که در زمره عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر طبقه‌بندی می‌شوند، تأثیر می‌پذیرند.

واژگان اصلی: آگاهی سیاسی، آگاهی‌بخشی سیاسی، دانش سیاسی، علم سیاست، گروه‌های علوم سیاسی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران. (نویسنده مسئول)

majidgolparvar535@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران.

مقدمه

آگاهی سیاسی مفهومی عام به‌شمار می‌آید، اما بازنمایی آن بر حسب شرایط و ویژگی‌های منحصر به فرد هر جامعه می‌تواند متفاوت باشد. همچنین با اینکه کارویژه آگاهی‌بخشی سیاسی رشته علوم سیاسی را می‌توان برای همه جوامع و احتمالاً در همه زمان‌ها صادق دانست، اما رشته علوم سیاسی در عمل به این وظیفه در همه جوامع به یک اندازه موفق نبوده است. شیوه‌های ممکن برای اثرگذاری بازیگران علوم سیاسی بر آگاهی سیاسی، تلاش در جهت استفاده حداکثری از فرصت‌های موجود، کوشش برای خلق شیوه‌های ابتکاری بر حسب شرایط جامعه و حکومت و نیز محدودیت‌های درونی (علوم سیاسی) و بیرونی (ناشناسی از جامعه و حکومت) از جمله مؤلفه‌های مهمی هستند که بر نرخ موفقیت علوم سیاسی در ترویج آگاهی سیاسی تأثیر می‌گذارند.

الگوی آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی علوم سیاسی همچون خود مفهوم آگاهی سیاسی، پیچیده، چندبعدی و چندسطحی است و ترسیم آن نیازمند شناسایی مؤلفه‌ها و تحلیل روابط میان آنها است. حال از آنجاکه نقش علوم سیاسی در ادبیات حوزه آگاهی سیاسی مغفول مانده است، امکان ترسیم الگویی فراگیر و مؤثر پیرامون نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی بر پایه پژوهش‌های پیشین ممکن نیست. به همین جهت مقاله حاضر در صدد طراحی الگوی پارادایمی نقش‌آفرینی گروه‌های علوم سیاسی دانشگاه‌های کشور در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی شهروندان بر پایه تحلیل نظام‌مند دیدگاه‌های صاحب‌نظران و اساتید مسلط بر حوزه آگاهی سیاسی با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد برآمده است. این الگو به پیروی از روش پارادایمی اشتراوس^۱ و کوربین^۲ (۱۹۹۸): ۱۳۱-۱۳۰) در انجام پژوهش‌های داده‌بنیاد از پنج بخش اصلی شامل شرایط علی^۳، شرایط زمینه‌ای^۴، شرایط مداخله‌گر^۵، راهبردهای اقدام^۶ و پیامدها^۷ حول محور «آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی» به مثابه پدیده^۸ یا همان مقوله اصلی پژوهش حاضر تشکیل شده است.

1. Anselm C. Strauss

2. Juliet Corbin

3. Causal Conditions

4. Contextual Conditions

5. Intervening Conditions

6. Action Strategies

7. Consequences

8. Phenomenon

هدف اصلی مقاله حاضر، «کشف الگوی نقش آفرینی گروه‌های علوم سیاسی دانشگاه‌های کشور در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی» بوده و پرسش اصلی این است که «الگوی نقش آفرینی گروه‌های علوم سیاسی دانشگاه‌های کشور در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی چیست؟» پاسخ به این پرسش از ترکیب پنج پرسش فرعی زیر که متناظر با بخش‌های پنج‌گانه الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین مطرح شده‌اند، حاصل می‌شود:

۱. شرایط علی نقش آفرینی گروه‌های علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان کدام‌اند؟
۲. شرایط زمینه‌ای نقش آفرینی گروه‌های علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان کدام‌اند؟
۳. عوامل مداخله‌گر در نقش آفرینی گروه‌های علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان کدام‌اند؟
۴. راهبردهای نقش آفرینی گروه‌های علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان کدام‌اند؟
۵. پیامدهای نقش آفرینی گروه‌های علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان چیست؟

۱. ادبیات موضوع

در ایران، چندین مقاله علمی به موضوع آگاهی سیاسی پرداخته‌اند، ولی هیچ‌کدام به رابطه آگاهی سیاسی با علوم سیاسی توجه نکرده‌اند. از ۲۵ مقاله‌ای که با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط پیدا شد، فقط ۲۱ مقاله مرتبط با موضوع آگاهی سیاسی بوده‌اند (جدول شماره ۱).

جدول ۱: نمایه ادبیات آگاهی سیاسی در ایران (بر حسب مقاله‌های علمی به زبان فارسی)

ردیف	نویسنده	سال	روش	رویکرد تحلیلی	جامعه هدف
۱	ملکشاهی نژاد	۱۴۰۱	پیمایشی	وابسته	دانشجویان شهر ایلام
۲	اصلاحی و سیاهپوش	۱۴۰۰	پیمایشی	مستقل؛ وابسته	دانش آموزان شهر دزفول
۳	پورعلی	۱۴۰۰	توصیفی	مستقل	صاحب عروه
۴	جوادی و اسکندرزاده	۱۴۰۰	توصیفی	وابسته	تمامیت جامعه
۵	باقری	۱۳۹۹	پیمایشی	وابسته	دانشجویان دانشگاه یاسوج
۶	خادم	۱۳۹۸	توصیفی	وابسته	شیعیان
۷	کییری و همکاران	۱۳۹۸	پیمایشی	وابسته	دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی
۸	علی‌پور و همکاران	۱۳۹۸	توصیفی	وابسته؛	شهروندان استان خوزستان
۹	واقف و رحمان‌زاده	۱۳۹۷	پیمایشی	وابسته	زنان ۲۰-۶۵ سال منطقه ۲ تهران
۱۰	مولایی	۱۳۹۷	پیمایشی	مستقل؛ وابسته	دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی
۱۱	باقری	۱۳۹۵	پیمایشی	وابسته	دانشجویان دانشگاه یاسوج
۱۲	سرخامهر و صدیقی فرد	۱۳۹۴	پیمایشی	مستقل؛ وابسته	دانشجویان دانشگاه آزاد واحد
۱۳	شعبانی و یزدخواستی	۱۳۹۳	توصیفی	وابسته؛	زنان ایران
۱۴	گرانمایه‌پور و نعمتی	۱۳۹۳	پیمایشی	وابسته	دانشجویان ارشد ارتباطات تهران

۱۵	هرسیچ و همکاران	۱۳۹۳	پیمایشی	وابسته	دانشجویان دانشگاه اصفهان
۱۶	مسعودنیا و همکاران	۱۳۹۱	پیمایشی	وابسته	دانشجویان دانشگاه اصفهان
۱۷	مسعودنیا و همکاران	۱۳۹۱	پیمایشی	مستقل	اساتید دانشگاه اصفهان
۱۸	شهرام‌نیا و ملائی	۱۳۸۹	پیمایشی	مستقل؛ وابسته	معلمان شهر اصفهان
۱۹	مسعودنیا و همکاران	۱۳۸۸	پیمایشی	مستقل؛ وابسته	دانشجویان دانشگاه اصفهان
۲۰	علمی	۱۳۸۷	پیمایشی	مستقل؛ وابسته	دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز
۲۱	مسعودنیا	۱۳۸۷	پیمایشی	وابسته	دانش آموزان شهر اصفهان

بررسی‌ها نشان می‌دهد از ۲۱ مقاله بررسی شده، ۱۵ مطالعه (۷۱٫۴٪) به آگاهی سیاسی در دانشگاه‌ها و مدارس مرتبط هستند. این مقالات بصورت کمی و با داده‌های تجربی ارائه شده‌اند. تنها موضوع غیر آموزشی، زنان شهر تهران است. پنج مقاله دیگر از نوع کیفی هستند و جامعه هدف آن‌ها بیشتر مربوط به جوامع بزرگ مانند کل جامعه ایران است. از ۱۶ مقاله کمی، ۷ مورد آگاهی سیاسی را به عنوان یک متغیر مستقل مورد بررسی قرار داده‌اند، در حالی که بیشتر آن‌ها آگاهی سیاسی را به عنوان متغیر وابسته بررسی کرده‌اند. متغیرهای مؤثر بر آگاهی سیاسی شامل عواملی مانند ارتباطات، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و آموزشی است.

در ایران، با وجود تمرکز بر مطالعات آگاهی سیاسی در دانشگاه‌ها، علوم سیاسی به‌طور مستقیم به‌عنوان موضوع اصلی در ادبیات این حوزه مورد بررسی قرار نگرفته است. تحقیقات معدودی که در این زمینه انجام شده، به بررسی سطح آگاهی سیاسی دانشجویان در دانشکده‌های مختلف پرداخته‌اند. باقری (۱۳۹۵) و مولایی (۱۳۹۷) نیز در تحقیقات خود به ارزیابی سطح آگاهی دانشجویان پرداخته‌اند، اما تفاوت‌های جزئی در نتایج وجود دارد. به نظر می‌رسد که رابطه میان آگاهی سیاسی و علوم سیاسی در ادبیات علمی ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است و تأثیرات علوم سیاسی بر جوامع و پدیده‌های اجتماعی باید به‌صورت ضمنی از مطالعات موجود استنباط شود.

جستجو در مقالات انگلیسی نیز نشان‌دهنده محدودیت در تعداد مطالعات مرتبط با رابطه علوم سیاسی و آگاهی سیاسی است. مطالعه الثبوتا^۱ و جرار^۲ (۲۰۱۳) (همان مطالعه الثبوتا (۲۰۱۸)) بررسی تأثیر آموزش علوم سیاسی بر آگاهی دانشجویان دانشگاه پترا اردن را معنی‌دار یافته و نویسندگان بیان کرده‌اند که شیوه تدریس تعاملی و فضای گفت‌وگو در کلاس می‌تواند به روشنگری دانشجویان

1. Qasem Althubetat

2. Amani G. Jarrar

کمک کند. زترا^۱ و همکاران (2022) در مطالعه خود بر روی رابطه بین دانش و آگاهی سیاسی تمرکز دارند، اما تمایز میان این دو متغیر را مشخص نکرده‌اند و دانش سیاسی را به‌مثابه رشته مطالعاتی نمی‌بینند.

۲. مبانی نظری

کارویژه آگاهی‌بخشی بین همه رشته‌های علمی و دانشگاهی مشترک است و برون‌دادهای رشته‌های علمی به محیط‌های علمی و متقاضیان رسمی محصول علم آنها محدود نمی‌شود (Beck et al., 2020: 136). از همین رو، عبارت «آگاهی عمومی از علم»^۲ وضع شده است که به آگاهی، نگرش، رفتار، عقاید و فعالیت‌هایی اشاره دارد که روابط بین عموم مردم یا جامعه غیرمتخصص به‌مثابه یک کل را با سازمان و دانش علمی شکل می‌دهد (Dempster et al., 2022: 4).

در رشته‌های علوم اجتماعی، آگاهی‌بخشی جمعی نه یک محصول جانبی، بلکه یکی از کارویژه‌های اصلی این رشته‌ها و یکی از معیارهای ارزیابی سودمندی و صحت عملکرد آنها محسوب می‌شود. غایت علم سیاست را نیز باید در ارتقای آگاهی سیاسی افراد جامعه در کنار افزایش دانش (و بعضاً علم) سیاسی متولیان جامعه (یعنی صاحب‌منصبان و کارگزاران حکومت) جستجو کرد.

عمده ادبیات دانشگاهی در مفهوم‌سازی آگاهی سیاسی از زالر^۳ (1992: 21) که آن را تحت عنوان «میزان توجه یک فرد به سیاست و درک آنچه که با آن مواجه شده است» تعریف می‌کند، پیروی کرده است. با این همه به‌رغم اهمیت آگاهی سیاسی به‌مثابه بخش بنیادی تربیت سیاسی^۴، جزء حیاتی صلاحیت دموکراتیک و مدنی و مؤثر در جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی مردم (Rapeli, 2014: 14) و نیز کاربرد گسترده آن در ادبیات علمی، هیچ بستر تثبیت شده‌ای برای شناسایی و سنجش آگاهی سیاسی وجود ندارد تا پژوهشگران بتوانند از آن جهت بررسی میزان توجه و درک سیاسی افراد جامعه استفاده کنند (Kristensen et al., 2021: 1-2).

مقاله حاضر با توجه به اهداف تحلیلی پیش روی خود از رویکردهایی که آگاهی سیاسی را

1. Aidinil Zetra

2. Public Awareness of Science (PAwS)

3. J. R. Zaller

4. Politische Bildung

عمدتاً بر حسب اطلاع از حقایق و داده‌های خام سیاسی یا رفتارهای سیاسی فهم کرده و اندازه‌گیری می‌کند، فاصله گرفته و عناصر مرتبط با برانگیختگی توجه به سیاست را در مفهوم‌سازی آگاهی سیاسی برجسته ساخته است. الگوهای فراگیری^۱ بر انتقال داده‌ها و اطلاعات سیاسی تأکید دارند و آگاهی سیاسی را نیز با معیار سطح اطلاعات سیاسی می‌سنجند. کانون توجه و معیار ارزیابی آگاهی سیاسی الگوهای رفتاری^۲ را نیز فعالیت‌هایی مانند پیگیری اخبار سیاسی، مطالعه روزنامه، کنش‌گری سیاسی و اجتماعی و شرکت در احزاب و جلسات تشکیل می‌دهد.

با این توصیف از بازیگران علوم سیاسی قویاً انتظار می‌رود که آگاهی سیاسی شهروندان را در وهله نخست از طریق تأثیر بر الگوهای فکری^۳ یعنی طرز فکر مردم در مورد امور عمومی، نقش خود در سیاست و فهم از سیاست به‌مثابه آنچه هست و آنچه می‌تواند باشد، ارتقا بخشند. از این چشم‌انداز، مؤلفه‌های آگاهی‌بخشی سیاسی از طریق بازیگران علوم سیاسی را می‌توان در «توجه و حساسیت نسبت به سیاست»، «توانایی اعتبارسنجی و راستی‌آزمایی داده‌های سیاسی»، «درک سیاست به‌مثابه سپهر تغییر و امری قراردادی»، «قدرت استدلال و تحلیل سیاسی برپایه منطق و اطلاعات موثق»، «خودآگاهی نسبت به حق و نقش بالقوه خود در سیاست و امکان‌پذیری تغییر نقش‌ها» و «اتخاذ تفکر انتقادی در مواجهه با نظریه و عمل سیاسی» جستجو کرد. این مؤلفه‌ها در شکل شماره ۱ به تصویر کشیده شده‌اند.

شکل ۱. کارویژه‌های آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی علوم سیاسی برپایه ادبیات پژوهش



1. Acquisition Patterns
2. Behavioural Patterns
3. Patterns of Thought

۳. روش پژوهش

از آنجا که مقاله حاضر از نوع اکتشافی بوده و هدف ارایه الگوی نقش آفرینی علوم سیاسی در آگاهی بخشی سیاسی همگانی را دنبال می کند، از رویکرد پارادایمی اشتراوس و کورین در انجام پژوهش های داده بنیاد استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه های تخصصی نیمه ساختاریافته با صاحب نظران و اساتید حوزه موضوعی آگاهی سیاسی بوده است. محتوای لازم برای استخراج مفاهیم و متغیرهای این الگو و تعیین روابط میان آنها از متن مصاحبه های تشریحی عمیق نیمه ساختاریافته با ۱۸ نفر از اساتید علوم سیاسی و جامعه شناسی صاحب نظر در حوزه آگاهی سیاسی استخراج شده است.

پس از تدوین پرسش های مصاحبه و بازبینی آنها، نخستین مصاحبه با یکی از اعضای هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (ره) انجام شد و بلافاصله پس از پیاده سازی متن مصاحبه، نکات کلیدی آن استخراج، گزاره های حاوی ارزش در آن علامت گذاری و سپس در مرحله کدگذاری باز با استفاده از نرم افزار مکس کیودا کدهای اولیه به آنها تخصیص داده شد. در ادامه، کدهای اولیه در مفاهیم بالقوه دسته بندی شد (هر چند کد نزدیک به هم به یک مفهوم ارجاع داده می شوند) و به همین ترتیب هر چند مفهوم مشابه به یک مقوله فرعی ختم شد.

پس از انجام مراحل بالا بر روی مصاحبه نخست، مصاحبه دوم تا هجدهم نیز انجام و متن آن به ترتیبی که در بالا آمد، کدگذاری شد. در مرحله کدگذاری محوری، مقولات اصلی بر حسب مقولات فرعی ساخته شد و ارتباط میان آنها تبیین شد و سپس شبکه ارتباطی میان کل مقولات در قالب چند طبقه (دسته) حول مقوله محوری «آگاهی بخشی سیاسی» سامان یافت.

به این ترتیب، پارادایم «نقش آفرینی علوم سیاسی در آگاهی بخشی سیاسی همگانی» با تمام مؤلفه ها و اجزای اصلی و ارتباط میان آنها ترسیم گشت. در مرحله کدگذاری انتخابی نیز مقولات با هدف ایجاد ساخت های انتزاعی تر از آنها پالایش شدند و با تجزیه و تحلیل و قوه استنباط، قضایای نظری حاصل شدند که در قالب گزاره های حکمی پیرامون «آگاهی بخشی سیاسی بواسطه علوم سیاسی» ارائه شدند.

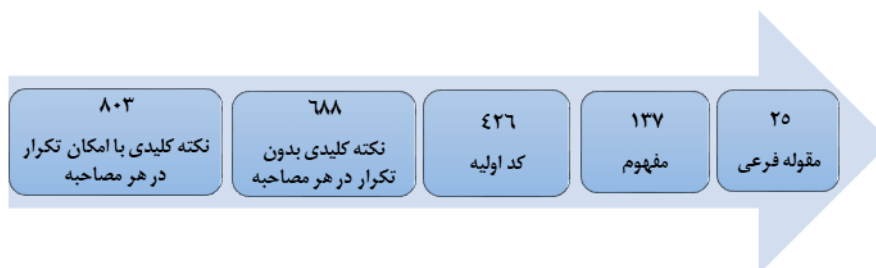
۴. یافته های پژوهش

گزارش یافته های پژوهش در ادامه به تفکیک سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی آمده است. مرحله کدگذاری محوری شامل پاسخ پرسش های مقاله نیز می شود.

۴-۱. کدگذاری باز

طی فرایند کدگذاری باز در مجموع ۸۰۳ نکته کلیدی با احتمال هم‌پوشانی کدها در هر مصاحبه و ۶۸۸ نکته کلیدی بدون لحاظ هم‌پوشانی کدها در هر مصاحبه استخراج شد که به ۴۲۶ کد اولیه یکتای غیرتکراری ارجاع دارند. با تلفیق کدهای نزدیک و مرتبط با یکدیگر، ۱۳۷ مفهوم انتزاعی پدیدار شد و به همین منوال، ۲۵ مقوله فرعی از ترکیب مفاهیم نزدیک به هم ظاهر شد. فرایند چند مرحله‌ای تحلیل داده‌ها از عبارات‌های مندرج در متن مصاحبه‌ها تا ظهور مقوله‌های فرعی پژوهش در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.

شکل ۲. سیر تطور نکات کلیدی تا مقوله‌های فرعی پژوهش



۴-۱. کدگذاری محوری

۲۵ مقوله فرعی شکل‌یافته در مرحله کدگذاری باز در مرحله کدگذاری محوری به پیروی از الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین ذیل شش مقوله اصلی شامل پدیده محوری، شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها - که پاسخ پرسش‌های فرعی مقاله را در خود جای داده‌اند - طبقه‌بندی شدند. ارتباط میان مقوله‌های اصلی، مقوله‌های فرعی و مفاهیم پژوهش به‌طور خلاصه در جدول شماره ۲ آمده است. تعداد کدهای اولیه‌ای که در ساخت هر مفهوم به‌کار رفته‌اند در ردیف آخر ذکر شده‌اند. مجموع این تعداد کد برای هر مقوله فرعی و هر مقوله اصلی نیز در پرانتز جلوی آنها قید شده است.

جدول ۲. ارتباط میان مقوله‌های اصلی (۶)، مقوله‌های فرعی (۲۵) و مفاهیم (۱۳۶) پژوهش

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مفهوم	تعداد
		مهارت‌های عمومی	۵
		مسئولیت‌پذیری	۵
شرایط علی (۱۷۹)	منابع انسانی علوم سیاسی (۴۱)	صلاحیت علمی اساتید	۵
		درک اجتماعی	۴
		دانشجویان	۴

۳	دانش‌آموختگان	
۲	توانایی تدریس	
۴	به‌روز بودن	
۷	انگیزش	
۲	استقلال	
۲	منطق تفاوت	
۴	کاربردپذیری	ماهیت علم سیاست (۱۳)
۶	سازگاری اجتماعی	
۱	حساسیت‌زایی	
۷	نوع وظیفه	
۹	ظرفیت کنش	
۳	رابطه علم و عمل سیاسی	
۱۴	حداقل‌گرایی	گستره کنش (۵۸)
۴	تأثیر بر آگاهی سیاسی	
۵	بسط‌گرایی	
۱۶	انتظار از علوم سیاسی	
۱	منابع مالی	
۷	در قبال جامعه	گروه‌های علوم سیاسی (۹)
۱	ابزار نظارت	
۶	مستقیم	
۱	کانال‌های رسمی	
۳	کانال‌های تخصصی	
۲	رسانه‌ها	کانال‌های ارتباطی (۲۱)
۴	دسترسی به شهروندان	
۱	ایجاد زبان مشترک	
۴	ارتباطات خارجی	
۱	وضعیت تولید علم	
۱	هدف از تولید علم سیاست	
۸	نظام آموزشی	
۲	مفهوم‌سازی	
۴	عملیاتی‌سازی	کارویژه‌های حرفه‌ای (۳۰)
۱	شیوه انجام فعالیت	
۲	تربیت سیاست‌شناس	
۵	پژوهش	
۶	برون‌دادها	
۲	تیپ شخصیتی	
۲	تکلیف‌گرایی	عوامل روانشناختی (۷)
۱	انگیزه تغییر	

۲	احساس تأثیرگذرای		
۱	سواد عمومی		
۹	جایگاه علوم سیاسی		
۲	تقاضا	نماینه جامعه (۲۰)	
۳	بستر پذیرش آگاهی		
۵	آگاهی پیشینی		
۲	وابستگی		عوامل زمینه‌ای (۳۳)
۲	کاربردی‌سازی علم		
۴	عمل به تکلیف	دانشگاه (۱۱)	
۱	ظرفیت ایجاد تغییر		
۲	برانگیزندگی		
۲	انتظارات	بخش خصوصی (۲)	
۶	مداخله (در)		
۱	گشایش‌ها		
۸	کژفهمی‌ها		
۳	فرصت‌ها		
۱۱	فرصت‌سوزی		
۹	سلب انگیزه	نقش‌آفرینی دولت (۷۴)	عوامل مداخله‌گر (۷۴)
۳	دیوان‌سالاری		
۱۲	چالش‌ها		
۱۳	کوتاهی‌ها		
۸	تنگ‌نظری‌ها		
۳	همزادپنداری		
۷	نیازمحوری		
۳	مسئله‌محوری	همگرایی اجتماعی (۲۴)	
۶	گروه مرجع		
۵	سازگار با خواست جامعه		
۶	همکاری نهادی		
۵	همکاری علمی		
۱۲	تعامل با دولت	هم‌بخشی بیرونی (۴۱)	راهبردها (۳۳۲)
۹	تعامل با جامعه		
۹	بین‌الملل‌گرایی		
۴	همبستگی اجتماعی		
۱۲	کنشگری سیاسی	کنشگری (۲۶)	
۶	کنشگری اجتماعی		
۴	حضور در قدرت		
۶	میدان‌داری اجتماعی	عمل‌گرایی (۱۴)	
۴	تکلیف‌گرایی		

۴	پیشگامی	
۵	وحدت در عین کثرت	سیاست‌زدایی (۸)
۳	نگرش ملی	
۵	نیازسنجی	
۳	امکان‌سنجی	رصد اجتماعی (۱۲)
۴	ارزیابی	
۶	مهارت‌ورزی	
۲	فکری	
۹	علمی	خودتوانمندسازی (۲۳)
۱	شخصیتی	
۵	انطباق‌پذیری	
۹	فرصت‌سازی	
۷	تنظیم‌گری	
۷	تقویت	
۶	بهرسمیت‌شناختن	دولت در قبال علوم سیاسی (۴۹)
۶	امنیتی‌زدایی	
۴	اظهار نیاز	
۱۰	استفاده از ظرفیت‌ها	
۳	رواداری	
۷	حاکمیت قانون	
۶	توانمندسازی	دولت در قبال جامعه (۲۳)
۴	تعامل‌گرایی	
۳	پاسخ‌گویی	
۳	یادگیری	
۵	وظایف پژوهشی	
۲	همکاری	
۶	نهادسازی	
۲	صبر راهبردی	
۶	حراست از شأن علمی	
۶	تربیت دانشجو	
۱	برون‌سپاری	حرفه‌ای‌گری (۷۰)
۵	بازبینی	
۵	انسجام	
۱۸	انتشار دانش	
۲	استقلال	
۹	اجتماعی‌سازی علم سیاست	
۱۲	مهارت‌افزایی	
۳	آگاه‌سازی سلسله‌مراتبی	

۲	آگاه‌سازی (از)		
۲	مجاری ارتباط سستی		
۱۶	حضور رسانه‌ای		
۲	حضور بین‌المللی	ارتباطات فراگیر (۲۵)	
۳	چهره به چهره		
۲	ارتباط‌گیری با جامعه		
۹	حکمرانی خوب		
۷	ثبات ملی		
۵	توسعه ملی	پیامدهای داخلی (۳۱)	
۴	توسعه انسانی		پیامدها (۳۷)
۶	ارتقای سرمایه اجتماعی		
۲	قدرت	پیامدهای بیرونی (۶)	
۴	امنیت پایدار		
۴	ویژگی‌ها		
۱	مصادیق		
۵	متأثر (از)	آگاهی سیاسی (۳۳)	پدیده محوری (۳۳)
۵	تعریف		
۱۸	آگاهی بخشی سیاسی		

۴-۲-۱. پاسخ پرسش‌ها

پرسش فرعی نخست (شرایط علی): شرایط علی نقش‌آفرینی گروه‌های علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان را باید در مقوله اصلی شرایط علی متشکل از ۷ مقوله فرعی ناظر بر ۴۴ مفهوم مستخرج از ۱۷۹ کد اولیه یکتا جستجو کرد.

آگاهی‌بخشی سیاسی از طریق علوم سیاسی بیش از همه از مؤلفه‌های شرایط علی تأثیر می‌پذیرد. این عوامل عمدتاً در قلمرو علوم سیاسی واقع هستند و گستره کنش نظری و عملی علوم سیاسی نزدیک به یک سوم مؤلفه‌های مؤثر بر نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان را به‌خود اختصاص می‌دهد.

به‌طور خاص، مفهوم گستره کنش، تأثیر ذهنی بازیگران علوم سیاسی در کارویژه آگاهی‌بخشی علوم سیاسی و نیز ظرفیت‌ها و اقدام‌های علوم سیاسی در این مسیر را پوشش می‌دهد. این مفهوم بیشترین تأثیر را بر نظریه «انتظارات از علوم سیاسی برای آگاهی‌بخشی سیاسی» دارد. برخی از صاحب‌نظران تأکید دارند که آگاهی‌بخشی سیاسی یکی از دستورکارهای علوم سیاسی است، اما برخی دیگر آن را به‌مثابه وظیفه شخصی یا مسئولیت مدنی معرفی می‌کنند. به‌علاوه، تشدید نیاز به

به‌روزرسانی سطح دانش و افزایش انگیزه اساتید علوم سیاسی نیز در کاهش نقش آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی تأثیرگذار بوده است.

ماهیت نظری و عدم کاربردی بودن علوم سیاسی نیز به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های مؤثر بر نقش آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی علوم سیاسی مطرح می‌شود. این امر می‌تواند مانع ایفای نقش‌های اجتماعی علوم سیاسی شود. همچنین عوامل روانشناختی مانند احساس عدم تأثیرگذاری و مسئولیت‌گریزی از جانب بازیگران علوم سیاسی نیز در کاهش نقش آفرینی آنها در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی تأثیر دارد.

در مورد ارتباط علوم سیاسی با جامعه، دانشجویان به‌عنوان در دسترس‌ترین کانال برای انتقال اطلاعات معرفی شده‌اند، اگرچه این دسترسی نامطلوب و ناکافی است. از این جهت نیز عدم توانایی علوم سیاسی در برقراری ارتباط مؤثر با شهروندان مطرح می‌شود.

پرسش فرعی دوم (عوامل زمینه‌ای): پاسخ پرسش فرعی دوم درباره شرایط زمینه‌ای نقش آفرینی گروه‌های علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان را باید در مقوله اصلی عوامل زمینه‌ای متشکل از ۳ مقوله فرعی ناظر بر ۱۱ مفهوم مستخرج از ۳۳ کد اولیه یکتا جستجو کرد.

عوامل زمینه‌ای مؤثر در نقش آفرینی علوم سیاسی بر آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی به مؤلفه‌های بیرون از محیط علوم سیاسی که بستر علوم سیاسی یا بستر پیاده‌سازی آگاهی‌بخشی سیاسی را تشکیل می‌دهند، اشاره دارد. دانشگاه به‌مثابه بستر علوم سیاسی در نظر مصاحبه‌شوندگان اگرچه مهم قلمداد شده، اما کارکرد آن در زمینه آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی بازدارنده معرفی شده است. عدم موفقیت در کاربردی‌سازی علم و وابستگی نهاد دانشگاه به نهاد قدرت و فقدان سازوکارهای برانگیزندگی و تشویق اساتید و دانشجویان علوم سیاسی در محیط دانشگاهی از دلایل این بازدارندگی هستند.

بستر اجتماعی نیز در نظر مصاحبه‌شوندگان برای آگاهی‌بخشی سیاسی علوم سیاسی فراهم نبوده و فقدان آگاهی پیشینی و وجود آگاهی کاذب، مانع نقش آفرینی مؤثر علوم سیاسی بر آگاهی سیاسی همگانی شده است.

بخش خصوصی به‌عنوان بستری برای آگاهی‌بخشی سیاسی علوم سیاسی در نظر برخی صاحب‌نظران از دیگر بخش‌های جامعه متمایز شده است که نشان از اهمیت آن در الگوی نقش آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی دارد. وجود احساس نیاز و ضرورت اجتماعی‌سازی علوم سیاسی و سازگاری آن با نیازهای بخش خصوصی، دو عامل زمینه‌ای مؤثر

در این الگو تلقی می‌شوند.

پرسش فرعی سوم (عوامل مداخله‌گر): پاسخ پرسش فرعی سوم مبنی بر اینکه «عوامل مداخله‌گر در نقش‌آفرینی گروه‌های علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان کدام‌اند؟» را باید در مقوله اصلی عوامل مداخله‌گر، متشکل از مقوله فرعی نقش‌آفرینی دولت که ناظر بر ۱۰ مفهوم مستخرج از ۷۴ کد اولیه یکتا است، جستجو کرد.

دولت در مصاحبه با صاحب‌نظران به‌مثابه تنها عامل مداخله‌گر در نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی به تصویر کشیده شده است. با اینکه دولت از جهاتی، یک عامل زمینه‌ای در الگوی پژوهش محسوب می‌شود، اما از آنجاکه نهاد دانشگاه به‌مثابه نهاد وابسته به دولت در زمره عوامل زمینه‌ای دسته‌بندی شد و از آن مهمتر اینکه بستر آگاهی‌بخشی سیاسی در این رساله به‌طور مشخص، شهروندان و متن جامعه معرفی شده است، مؤلفه‌های متأثر از نقش دولت بر کارویژه آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی علوم سیاسی را می‌توان به‌مثابه عوامل مداخله‌گر مورد مطالعه قرار داد. از متن مصاحبه با صاحب‌نظران هم می‌توان به عوامل مؤثر ناشی از دولت بر آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی علوم سیاسی پی برد و هم وضعیت موجود در این زمینه را به تصویر کشید. دولت از سوی یکی از مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان بزرگترین بازار مصرف محصولات علوم سیاسی معرفی شده است و منافع موازی دولت و علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی و نیز استقبال دولت از این کارویژه علوم سیاسی از دیگر نکات کلیدی مورد اشاره در مصاحبه‌ها بوده است. علاوه بر این، برچیده‌شدن انحصار رسانه‌ای دولت و خروج کنترل رسانه از دست دولت از سوی یکی از مصاحبه‌شوندگان به‌مثابه تأثیری مثبت از جانب دولت بر افزایش نقش علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان لحاظ شده است.

در مقابل، عمده صاحب‌نظران به تکرار از نقش منفی دولت در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی به‌واسطه علوم سیاسی سخن گفته‌اند. مسدودسازی مسیرهای نقش‌آفرینی علوم سیاسی در جامعه، دامن زدن به فضای بی‌اعتمادی و شکاف میان دولت/جامعه با علوم سیاسی، عدم استقبال دولت از کسب آگاهی سیاسی توسط شهروندان، عدم تقاضای دولت از علوم سیاسی برای ایفای نقش‌های اجتماعی و عدم احاله مسئولیت‌های اجتماعی به گروه‌های علوم سیاسی، عدم استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی علوم سیاسی، تضعیف عامدانه نهاد دانشگاه از جمله گروه‌های علوم سیاسی، هراس از کنشگری بازیگران علوم سیاسی، فقدان حمایت، دیوان‌سالاری محدودکننده، سیاست داخلی و

خارجی بسته، ترویج مدرک‌گرایی و میل اصحاب دولت به اخذ مدرک علوم سیاسی از جمله مداخله‌های محدودساز دولت در فرایند نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی به‌شمار می‌آیند که مورد توجه مصاحبه‌شوندگان بوده است.

پرسش فرعی چهارم (راهبردها): راهبردهای نقش‌آفرینی گروه‌های علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان از ۱۱ مقوله فرعی ناظر بر ۶۰ مفهوم تشکیل شده است که از بین ۳۳۲ کد اولیه مستخرج شده است. این راهبردها به دولت (به عنوان مداخله‌گر) و گروه‌های علوم سیاسی (به عنوان عامل) تقسیم می‌شوند.

صاحب‌نظران پنج دسته راهکار برای دولت در قبال جامعه معرفی کرده‌اند. این راهکارها شامل حاکمیت قانون، توانمندسازی، تعامل‌گرایی، رواداری و پاسخ‌گویی به شهروندان می‌شوند. این راهکارها از جهت تقویت آگاهی سیاسی شهروندان مؤثر هستند و به تقویت نقش گروه‌های علوم سیاسی در انجام کارویژه‌های آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی کمک می‌کنند.

مصاحبه‌شوندگان به اهمیت جذب حداکثری شهروندان و تقویت سواد رسانه‌ای عوامل اجتماعی اشاره کرده‌اند. علاوه بر این، ایجاد پیوندهای اجتماعی، به‌روزرسانی دانش و انطباق نظام آموزشی علوم سیاسی با نیازهای جامعه نیز برای خودتوانمندسازی بازیگران علوم سیاسی از اهمیت بالایی برخوردارند.

رویکردهای حرفه‌ای مرتبط با کارویژه‌های اصلی گروه‌های علوم سیاسی نیز از جمله راهبردها برای تقویت نقش علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی می‌باشند. این رویکردها شامل مواردی مانند انتشار دانش (با تأکید بر مقاله)، اجتماعی‌سازی علم سیاست، افزایش مهارت‌های نقد و تحلیل سیاسی شهروندان، نهادسازی (علمی و صنفی)، حراست از شأن علمی گروه‌های علوم سیاسی، تربیت دانشجو، و انجام بهتر و دقیق‌تر وظایف پژوهشی می‌شوند. از کلیدواژه‌های مهم این رویکردها می‌توان به تمرکز بر هدف آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی و همکاری میان رشته‌ای اشاره کرد.

علاوه بر این، حضور فعال در رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های عمومی/مطبوعات و فضای مجازی نیز از اهمیت ویژه برخوردار است. ارتباطات نزدیک و چهره‌به‌چهره با مردم نیز به تقویت نقش علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی کمک می‌کند. همچنین، حضور در جوامع بین‌المللی نیز از جمله راهبردهایی است که به تقویت نقش علوم سیاسی در این زمینه کمک می‌کند.

در مورد کنشگری بازیگران علوم سیاسی در سپهر اجتماعی و سیاسی، توصیه به حضور در

احزاب، همکاری با احزاب و مشاوره سیاسی به نهادهای قدرت بیش از همه مورد تأکید قرار می‌گیرد. پس از آن، کنشگری اجتماعی در چارچوب نهادهای مدنی و فعالیت‌های اجتماعی و نیز همبستگی اجتماعی به شکل انجام امور عمومی و مشارکت در مباحث عمومی مورد توجه قرار می‌گیرد. حضور در قدرت و پذیرش مناصب مدیریتی، سیاسی و اجرایی از دیگر راهبردهای کنشگری بازیگران علوم سیاسی محسوب می‌شود.

در مورد ارتباطات فراگیر، تأکید بر حضور بازیگران علوم سیاسی در رسانه‌ها، رسانه‌های عمومی/مطبوعات، فضای مجازی و صداوسیما از اهمیت بالایی برخوردار است. این ارتباطات نزدیک و چهره‌به‌چهره اساتید علوم سیاسی و دیگر بازیگران این رشته با مردم نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. ارتباطات در جوامع بین‌المللی نیز از موارد مهم در این راستا هستند.

خودتوانمندسازی بازیگران علوم سیاسی به لحاظ علمی و کسب مهارت‌های اجتماعی از جمله ایجاد پیوندهای اجتماعی از سوی بازیگران علوم سیاسی، به‌روزرسانی دانش و اطلاعات اساتید و انطباق نظام آموزشی علوم سیاسی با نیازهای جامعه نیز در این راستا مهم هستند. همچنین، تقویت ابعاد فکری و شخصیتی بازیگران علوم سیاسی نیز به تقویت نقش آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی علوم سیاسی کمک می‌کند.

راهبرد بعدی مصاحبه‌شوندگان به برجسته‌سازی نقش علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی را می‌توان تحت عنوان همگرایی اجتماعی علوم سیاسی نامید. این مفاهیم معتقدند که جذب حداکثری شهروندان و تقویت سواد رسانه‌ای می‌تواند در این راستا موثر باشد.

راهبرد آخر مصاحبه‌شوندگان ارتقاء رویکرد عملگرایی و خروج از پیله تنگ نظری را مورد تأکید قرار می‌دهد. این رویکرد شامل حضور میدانی در تحولات اجتماعی، پیشگامی در عرصه‌های اجتماعی و احساس تکلیف نسبت به نقش‌آفرینی در سپهر اجتماعی است. این رویکرد به ابتکار و بازآرایی فکری بازیگران علوم سیاسی نسبت به رویدادهای اجتماعی مبتنی است.

پرسش فرعی پنجم (پيامدها): پاسخ پرسش فرعی پنجم مبنی بر اینکه «پيامدهای نقش‌آفرینی گروه‌های علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان کدام‌اند؟» را باید در مقوله اصلی پیامدها متشکل از ۲ مقوله فرعی ناظر بر ۷ مفهوم مستخرج از ۳۷ کد اولیه یکتا جستجو کرد.

مقوله اصلی پیامدها وفق تحلیل متن مصاحبه‌نخبگان از دو مقوله فرعی پیامدهای داخلی و پیامدهای بیرونی تشکیل می‌شود. صاحب‌نظران بر این باور هستند که آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی

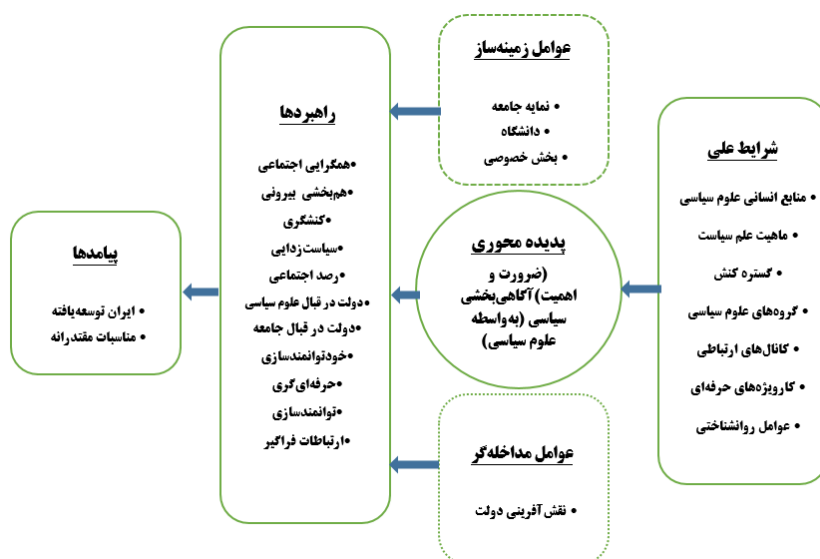
علوم سیاسی می‌تواند به حکمرانی خوب (مشارکت سیاسی، حاکمیت قانون، تقویت جامعه مدنی، تحکیم مردم‌سالاری، تحزب و انتخاب بهتر و پاسخ‌گو کردن دولت)، ثبات ملی (تقویت مرجعیت داخلی، کاهش شکاف مردم-دولت، توسعه انسانی، تعادل و پرهیز از افراط و آرامش ملی)، ارتقای سرمایه اجتماعی (همبستگی اجتماعی، مطالبه‌گری آگاهانه، کنش مناسب نخبگان، رفتار مدنی شهروندان و افزایش اعتماد اجتماعی)، توسعه ملی (شکوفایی اقتصادی، توسعه پایدار و تبیین بهتر مسائل) و توسعه انسانی (نهادینگی حقوق شهروندی، تربیت کنشگر آگاه، شهروند چندساحتی و شهروند جهانی) منجر شود.

پیامدهای بیرونی آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی علوم سیاسی نیز از دیدگاه صاحب‌نظران شامل دستیابی به امنیت پایدار (حفظ تمامیت ارضی، خلق جهانی بهتر و تأمین حداکثری منافع ملی) و ارتقای قدرت ملی (حفظ استقلال ملی و ارتقای جایگاه بین‌المللی کشور) است.

پرسش اصلی: الگوی نقش‌آفرینی گروه‌های علوم سیاسی دانشگاه‌های کشور در آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان طی مقاله حاضر بر پایه الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین طراحی شده است. اجزای این الگو در شکل شماره ۲ ترسیم شده است.

وفق الگوی مفهومی مستخرج از داده‌های مبتنی بر مصاحبه با اساتید علوم سیاسی صاحب‌نظر در حوزه آگاهی سیاسی، پدیده «آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی از طریق علوم سیاسی» تحت شرایط علی شامل منابع انسانی علوم سیاسی، ماهیت علم سیاست، گستره کنش، گروه‌های علوم سیاسی، کانال‌های ارتباطی، کارویژه‌های حرفه‌ای و عوامل روانشناختی شکل می‌گیرد. چگونگی شکل‌گیری این پدیده تحت تأثیر شرایط علی، راهبردهای ارتقای نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی را تعیین می‌کند. این راهبردها همچنین از عوامل زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر تأثیر می‌پذیرند.

شکل ۲. الگوی پارادایمی مقوله‌های الگوی نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی



دلیل تأثیرپذیری راهبردهای برجسته‌سازی نقش علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی از پدیده محوری آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی علوم سیاسی و نیز عوامل زمینه‌ساز و مداخله‌گر در این آگاهی را باید در ضرورت کاربردپذیری این راهبردها جستجو کرد. جهت‌های مشخص شده در این الگو نشان می‌دهد که پدیده محوری بیش از آنکه از راهبردها تأثیر بپذیرد بر آنها تأثیر می‌گذارد. زیرا این پدیده از دیگر سو تحت تأثیر شرایط علی شکل گرفته است. علاوه بر این، برون‌دادهای الگو -که پیامدها تنها بخشی از آنها محسوب می‌شوند- بخش عمده‌ای از درون‌دادهای آن را اعم از شرایط علی، عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر تشکیل می‌دهند. از این چشم‌انداز، الگوی نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی سیستمی پویا به‌شمار می‌آید که طی چرخه‌ای متوالی از بازخورد تشدید تقویت می‌شود.

با این توصیف از آنجاکه راهبردهای معرفی‌شده در الگوی مفهومی پژوهش در وهله نخست نه با هدف تأثیرگذاری بر پدیده محوری، بلکه برای تقویت پیامدها طراحی شده‌اند، احتمال بازگشت اثر مثبت آنها به سیستم نیز بیشتر خواهد بود. این وضعیت بیش از همه به معنای کاربردپذیری و پایداری راه‌حل‌های ارزیاب شده برای تقویت نقش علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی است.

۳-۴. کدگذاری انتخابی

سه شکل ممکن برای نظریه‌پردازی داده‌بنیاد در مرحله کدگذاری انتخابی شامل تدوین مجموعه‌ای از قضایا (گزاره‌ها یا فرضیه‌ها)، ارایه الگوی بصری^۱ و تنظیم داستان به شکل روایی^۲ وجود دارد که در این مقاله به دلیل محدودیت حجم از شکل سوم طرف‌نظر شده است. برای این منظور، ابتدا نظریه پژوهش در قالب دو «گزاره حکمی» (قضیه نظری) که طی فرآیند کدگذاری انتخابی به دست آمده‌اند، ارایه و سپس الگوی کدگذاری این گزاره‌ها به شکل بصری ترسیم شده است.

۱-۳-۴. گزاره‌های نظری

قضایای نظری در روش داده‌بنیاد به روابط بین مقوله‌ها اشعار دارند و اشتراوس و کورین از آن به منزله جریانی برای تلفیق و پالایش نظریه یاد کرده‌اند. نقطه عزیمت استخراج گزاره‌های حکمی در این بخش از رساله، همان مفروضه‌ای است که الگوی مفهومی پژوهش بر پایه آن بنا شده است: «از بازیگران علوم سیاسی قویاً انتظار می‌رود که آگاهی سیاسی شهروندان را در وهله نخست از طریق تأثیر بر الگوهای فکری یعنی طرز فکر مردم در مورد امور عمومی، نقش خود در سیاست و فهم از سیاست به مثابه آنچه هست و آنچه می‌تواند باشد، ارتقا بخشند.»

این مفروضه همچنین از سوی یافته‌های پژوهش مبنی بر تأثیرپذیری آگاهی سیاسی از تفاسیر و برداشت‌های ذهنی، جهت‌دهی مخالفان، سوءمدیریت دولتی، آگاهی کاذب و سطح اعتماد به دولت و نیز ویژگی‌های آگاهی سیاسی مبنی بر هدایت‌پذیری (از سوی مراجع داخلی یا رقبا) و وابستگی به روابط مردم-دولت و یا تعریف ارایه‌شده برای آن -که همگی در مقوله اصلی پدیده محوری ذیل مقوله فرعی آگاهی سیاسی جمع شده‌اند- تقویت می‌شود. راهکارهایی که در بخش راهبردها برای تقویت پیامدهای آگاهی‌بخشی سیاسی از طریق علوم سیاسی مورد توجه صاحب‌نظران بوده است نیز اغلب تأثیرگذاری بر الگوهای فکری شهروندان را هدف قرار داده‌اند و توانمندسازی و مهارت‌آموزی ایشان برای فهم بهتر سیاست، نقش بالفعل و بالقوه خود در سیاست و تثبیت ذهنیت تغییرپذیری سیاست را دنبال کرده‌اند.

با این توصیف، اگرچه مؤلفه‌های آگاهی‌بخشی سیاسی از طریق بازیگران علوم سیاسی مبنی بر «توجه و حساسیت نسبت به سیاست»، «توانایی اعتبارسنجی و راستی‌آزمایی داده‌های سیاسی»، «درک

1. A Visual Coding Paradigm

2. Narrative Form

سیاست به‌مثابه سپهر تغییر و امری قراردادی»، «قدرت استدلال و تحلیل سیاسی بر پایه منطق و اطلاعات موثق»، «خودآگاهی نسبت به حق و نقش بالقوه خود در سیاست و امکان‌پذیری تغییر نقش‌ها» و «اتخاذ تفکر انتقادی در مواجهه با نظریه و عمل سیاسی»- از مبانی نظری و ادبیات پژوهش استخراج شده‌اند و مفروضه پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند، اما تأیید یافته‌های پژوهش را نیز دارند.

با استناد به فصل مشترک مفروضه تقویت شده پیش‌گفته با تأکید مصاحبه‌شوندگان بر شیوه‌ها و موانع آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان، نخستین گزاره حکمی بخش کدگذاری نظری به شیوه‌های نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی اختصاص دارد. محدودیت‌های نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی نیز دومین قضیه نظری رساله حاضر را تشکیل می‌دهد.

قضیه نخست: شیوه‌های نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی با توجه به اهداف، دستورکارها، ابزارها، منابع و فرصت‌های موجود و ممکن نزد بازیگران این رشته در چهار محور «تربیت دانشجوی»، «انتشار دانش تخصصی و آگاهی عمومی»، «مهارت‌آموزی عمومی» و «کنشگری معطوف به توانمندسازی» دسته‌بندی می‌شوند.

قضیه دوم: موانع و محدودیت‌های حاکم بر شیوه‌های نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی از چشم‌انداز چهار بازیگر حکومت (دولت، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم و ...)، جامعه (شهروندان، رویه‌ها، خواسته‌ها، اولویت‌ها، سنت‌ها و ...)، علم (ساختار علم، دانشگاه، ... و علوم سیاسی (گروه‌ها، منابع انسانی، کارویژه‌های حرفه‌ای، ...) قابل ترسیم هستند.

۴-۳-۲. الگوی بصری گزاره‌های حکمی

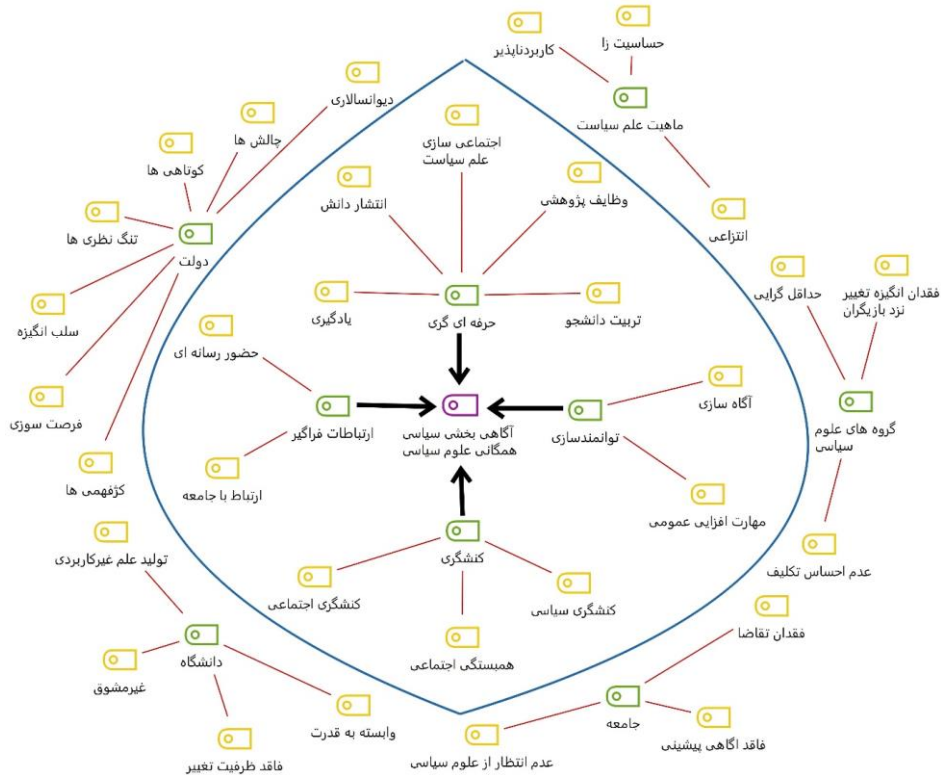
الگوی کدگذاری بصری رساله بر پایه دو قضیه نظری ارائه‌شده در بالا به قراری که در شکل شماره ۴ آمده، قابل ترسیم است. بر پایه این الگو، علوم سیاسی کارویژه آگاهی‌بخشی سیاسی را از طریق پرورش عالمان سیاسی، افزایش دانش نخبگان و ترویج آگاهی سیاسی همگانی دنبال می‌کند و اهمیت مورد آخر به‌اندازه‌ای است که «آموزش شهروندی» بعضاً به‌مثابه هدف اصلی رشته علوم سیاسی معرفی شده است. از این چشم‌انداز، آگاهی‌بخشی سیاسی نه یک محصول جانبی، بلکه یکی از کارویژه‌های اصلی علوم سیاسی محسوب می‌شود و سودمندی این رشته را می‌توان با معیار میزان موفقیت در ارتقای آگاهی سیاسی شهروندان سنجید.

شیوه‌های اثرگذاری علوم سیاسی بر آگاهی سیاسی اگرچه همگی در چارچوب مجموعه ویژگی‌های این رشته شامل اهداف، مأموریت‌ها، دستورکارها، انتظارات، ابزارها، منابع، برون‌دادها،

امکانات و فرصت‌های موجود و ممکن تعریف می‌شوند، اما بسته به نوع کارویژه و نیز چگونگی استفاده از این گزینه‌ها می‌توانند متفاوت باشند. از این رو، کارویژه آگاهی‌بخشی سیاسی علوم سیاسی در حقیقت از طریق قرارگرفتن مجموعه ویژگی‌های این رشته در مسیر ارتقای آگاهی سیاسی شهروندان محقق می‌شود و بنابراین، شیوه‌های عمل به این کارویژه، موضوعی جدا از اهداف، دستورکارها و ... این رشته نیست. در این رساله، شیوه‌های نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی وفق قضیه نظری نخست ذیل ۴ دسته کلی «تربیت دانشجوی»، «انتشار دانش و آگاهی عمومی»، «مهارت‌آموزی عمومی» و «کنشگری معطوف به توانمندسازی» تبیین شده‌اند.

برپایه قضیه نظری نخست رساله، کارویژه تربیت سیاسی علوم سیاسی به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌پذیرد که روش غیرمستقیم به نقش‌آفرینی تربیت‌یافتگان این رشته در آگاهی‌بخشی سیاسی جامعه اشاره دارد. شیوه مستقیم آگاهی‌بخشی سیاسی علوم سیاسی با پیامدهای دامنه‌دار به مقوله تربیت دانشجویان این رشته از طریق فرایند تدریس و منابع آموزشی اشاره دارد.

شکل ۳. الگوی شیوه‌ها و محدودیت‌های نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی



اقدام‌های بازیگران علوم سیاسی اعم از اساتید، دانشجویان و دانش‌آموختگان در تدوین و انتشار گزارش‌های پژوهشی علمی در قالب‌های گوناگون، تألیف یا ترجمه کتب، سخنرانی و نگارش یادداشت‌های تخصصی در فضای حقیقی و مجازی نیز به عنوان شیوه‌های نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این اقدامات از طریق آموزش‌های بیرون از گروه شامل مشارکت بازیگران علوم سیاسی در تدریس دروس عمومی گروه معارف اسلامی، تدریس برخی دروس تخصصی رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی در دوره‌های حضوری و مجازی دانشگاه‌ها، تدریس برخط و برون خط دروس علوم سیاسی و نزدیک به آن در سامانه‌های یادگیری مجازی، همکاری با دستگاه‌های حکومتی و نهادهای عمومی غیرحکومتی در برگزاری دوره‌های مهارت‌افزایی مدیران و کارمندان و نیز تولید محتوای آموزشی، تدریس در دوره‌های مهارت‌افزایی برگزاری کارگاه‌های حضوری و مجازی علمی-تخصصی در حوزه علوم سیاسی و نزدیک به آن انجام می‌شوند و به تأثیرگذاری علوم سیاسی بر آگاهی سیاسی شهروندان کمک می‌کنند.

شیوه اثرگذاری علوم سیاسی بر آگاهی سیاسی شهروندان به واسطه کنشگری سیاسی و اجتماعی نیز به فعالیت‌های بازیگران علوم سیاسی که فراتر از نقش‌های رسمی خود عمل می‌کنند، اشاره دارد. فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، نقش دانش‌آموختگان علوم سیاسی را برجسته می‌سازد. بارزترین بستر کنشگری اجتماعی علوم سیاسی در ایران را انجمن‌های علمی این رشته تشکیل می‌دهند. همچنین بسیاری از فعالیت‌های حرفه‌ای و شغلی مرتبط با آموزش سیاست و تولید و انتشار محتوای سیاسی را می‌توان نوعی کنشگری اجتماعی قلمداد کرد. کنش سیاسی بازیگران علوم سیاسی، هم‌حضور در قدرت و هم تلاش برای تأثیرگذاری بر وضعیت‌های خاص سیاسی را شامل می‌شود.

مؤلفه‌هایی نیز که تأثیر علوم سیاسی بر آگاهی‌بخشی سیاسی شهروندان را محدود می‌سازند در این الگو ذیل چهار متغیر «حکومت»، «جامعه»، «علم» و «علوم سیاسی» ترسیم شده‌اند. این محدودیت‌ها اگرچه به لحاظ نظری از یکدیگر تفکیک شده‌اند، اما محدودیت واقعی را اثر متقابل این مؤلفه‌ها و برابند آنها تشکیل می‌دهد.

وفق الگوی بصری رساله، کارویژه آگاهی‌بخشی سیاسی علوم سیاسی بیش از همه تحت‌تأثیر سیاست‌های حکومتی محدود می‌شود که دلیل اصلی آن را می‌توان در حساسیت‌های حکومتی در قبال این رشته به دلیل پیوند با قدرت خلاصه کرد. محدودیت‌های ناشی از سوی جامعه نیز به عدم اعتماد به سیاست‌شناسان و غیرمفید یا غیرمتناسب پنداشتن برون‌دادهای دانش سیاسی با نیازهای

خود که به عدم تمایل شهروندان به دریافت اطلاعات و تحلیل‌های سیاسی از مراجع اصلی علوم سیاسی منجر می‌شود، اشاره دارد.

از چشم‌انداز محدودیت‌های ناشی از علم نیز از آنجاکه علوم سیاسی بدون آنکه به‌مثابه یک علم به‌رسمیت شناخته شود، سهم بزرگی از بدنامی علم در جهت‌گیری به‌سمت اصحاب قدرت را بر دوش می‌کشد به‌دشواری می‌تواند در جایگاه مرجع آگاهی‌بخشی سیاسی جامعه ظاهر شود.

در رابطه با محدودیت‌های درونی آگاهی‌بخشی سیاسی علوم سیاسی نیز علاوه بر هرآنچه که اثر منفی بر فهم سیاسی بازیگران علوم سیاسی می‌گذارد، می‌توان به فقدان پیوندهای قابل توجه میان بازیگران علوم سیاسی و جامعه، عدم وجود رسانه‌های فراگیر یا کانال‌های ارتباطی شناخته‌شده برای گفتگو و تعامل میان شهروندان و بازیگران علوم سیاسی و از همه مهمتر، فقدان تقاضا از سوی شهروندان برای کسب آگاهی سیاسی از طریق بازیگران علوم سیاسی به‌دلیل ناتوانی علوم سیاسی در پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه نیز اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با توجه به اهمیت آگاهی سیاسی شهروندان به‌مثابه یک سرمایه ملی پایدار با هدف ترسیم الگوی نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی با بهره‌گیری از نظریه داده‌بنیاد انجام شد. برای این منظور، ۱۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته تخصصی با اساتید علوم سیاسی صاحب‌نظر در حوزه آگاهی سیاسی انجام شد که تحلیل متن آنها در فرآیند کدگذاری باز به‌ظهور ۴۲۶ کد اولیه معطوف به ۱۳۶ مفهوم انتزاعی در قالب ۲۵ مقوله منجر شد. این مقوله‌ها در مرحله کدگذاری محوری به پیروی از الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین در شش طبقه شامل پدیده محوری (آگاهی‌بخشی سیاسی) و شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای آگاهی‌بخشی سیاسی به‌واسطه علوم سیاسی به یکدیگر مرتبط شدند.

آگاهی‌بخشی سیاسی از طریق علوم سیاسی بیش از همه از مؤلفه‌هایی که تحت عنوان شرایط علی تدوین شده‌اند، تأثیر می‌پذیرد. این عوامل عمدتاً در قلمرو علوم سیاسی واقع هستند و مؤلفه‌های دارای منشأ بیرونی - اعم از جامعه و دولت و زیرمجموعه‌های آنها - در زمره عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر طبقه‌بندی می‌شوند. شرایط علی که شامل منابع انسانی علوم سیاسی، ماهیت علم سیاست، گستره کنش، گروه‌های علوم سیاسی، کانال‌های ارتباطی، کارویژه‌های حرفه‌ای و عوامل روانشناختی

می‌شوند، بیشترین تأثیر را بر راهبردهای ارتقای نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی می‌گذارند. این راهبردها همچنین از عوامل زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر تأثیر می‌پذیرند.

عوامل زمینه‌ای مؤثر در نقش‌آفرینی علوم سیاسی بر آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی به مؤلفه‌های بیرون از محیط علوم سیاسی که بستر علوم سیاسی یا بستر پیاده‌سازی آگاهی‌بخشی سیاسی را تشکیل می‌دهند، اشاره دارد. عوامل زمینه‌ای متشکل از ۳ مقوله فرعی بخش خصوصی، دانشگاه، و نمایه جامعه هستند که از ۱۱ مفهوم و ۳۳ کد اولیه یکتای معطوف به آنها استخراج شده‌اند.

مقوله اصلی عوامل مداخله‌گر از مقوله فرعی نقش‌آفرینی دولت و ۱۰ مفهوم و ۷۴ کد اولیه یکتای معطوف به آنها تشکیل شده است. با اینکه دولت از جهاتی، یک عامل زمینه‌ای در الگوی پژوهش محسوب می‌شود، اما از آنجاکه نهاد دانشگاه به‌مثابه نهاد وابسته به دولت در زمره عوامل زمینه‌ای دسته‌بندی شد و از آن مهمتر اینکه بستر آگاهی‌بخشی سیاسی در این رساله به‌طور مشخص، شهروندان و متن جامعه معرفی شده است، مؤلفه‌های متأثر از نقش دولت بر کارویژه آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی علوم سیاسی را می‌توان به‌مثابه عوامل مداخله‌گر مورد مطالعه قرار داد.

مقوله اصلی راهبردها از ۱۱ مقوله فرعی ارتباطات فراگیر، توانمندسازی، حرفه‌ای‌گری، خودتوانمندسازی، دولت در قبال جامعه، دولت در قبال علوم سیاسی، رصد اجتماعی، سیاست‌زدایی، کنشگری، هم‌بخشی بیرونی، همگرایی اجتماعی تشکیل شده است که در مجموع ناظر بر ۶۰ مفهوم مستخرج از ۳۳۲ کد اولیه یکتا هستند.

مقوله اصلی پیامدها را دو مقوله فرعی پیامدهای داخلی و پیامدهای بیرونی پدید آورده‌اند که در مجموع از ۷ مفهوم مستخرج از ۳۷ کد اولیه یکتا تشکیل شده‌اند.

مقوله اصلی «پدیده محوری» الگوی نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی نیز از مقوله فرعی «آگاهی سیاسی» پدید آمده است که مفهوم «آگاهی بخشی سیاسی»، وجه برجسته آن به شمار می‌آید. هسته این پدیده را نیز کد اولیه «اهمیت و ضرورت» (آگاهی‌بخشی سیاسی) تشکیل می‌دهد که تنها کد ظاهرشده در هر ۱۸ مصاحبه است.

برپایه قضایای نظری مبتنی بر تحلیل داده‌ها در مرحله کدگذاری انتخابی نیز شیوه‌های نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی با توجه به اهداف، دستورکارها، ابزارها، منابع و فرصت‌های موجود و ممکن نزد بازیگران این رشته در چهار محور «تریت دانشجو»، «انتشار دانش تخصصی و آگاهی عمومی»، «مهارت‌آموزی عمومی» و «کنشگری معطوف به توانمندسازی»

دسته‌بندی می‌شوند.

موانع و محدودیت‌های حاکم بر شیوه‌های نقش‌آفرینی علوم سیاسی در آگاهی‌بخشی سیاسی همگانی نیز از چشم‌انداز چهار بازیگر حکومت (دولت، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم و ...)، جامعه (شهروندان، رویه‌ها، خواسته‌ها، اولویت‌ها، سنت‌ها و ...)، علم (ساختار علم، دانشگاه، ...) و علوم سیاسی (گروه‌ها، منابع انسانی، کارویژه‌های حرفه‌ای، ...) قابل ترسیم هستند.

منابع

- اصلائی، غلامرضا و سیاهپوش، روزا (۱۴۰۰). رابطه سواد سیاسی و سواد رسانه‌ای با میزان آگاهی از حقوق شهروندی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهر دزفول، مجموعه مقاله‌های اولین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روانشناسی، علوم ورزشی و تربیت بدنی، ساری: موسسه آموزش عالی ادیب مازندران، قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/1456845>
- باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۵). آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه یاسوج درخصوص موضوعات روابط بین‌الملل و عوامل مؤثر بر آن، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۱(۱۹): ۱۷۷-۲۱۲.
- باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۹). سنجش و تحلیل میزان آگاهی سیاسی درباره گروه ویژه اقدام مالی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۲(۱): ۱۷۳-۲۰۱.
- پورعلی، مهدیه (۱۴۰۰). آگاهی سیاسی صاحب‌عروه در هدایت نهضت‌های اسلامی، مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس بین‌المللی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تحول، تغلیس: سازمان بین‌المللی مطالعات دانشگاهی، قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/1256929>
- جوادی ثمرین، فرید و اسکندرزاده راسته‌کناری، فریبا (۱۴۰۰). توسعه علم سیاست بر افزایش آگاهی سیاسی اعضای جامعه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس بین‌المللی توسعه و ترویج علوم انسانی و مدیریت در جامعه، تهران: انجمن بین‌الملل اخلاق زیستی اسلامی، قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/1370829>
- خادم شیرازی، فاطمه (۱۳۹۸). نقش آگاهی سیاسی و علمی در ترویج سبک زندگی دینی با تاکید بر شیوه رفتاری امام رضا(ع)، مجموعه مقاله‌های اولین کنفرانس بین‌المللی دین، معنویت و کیفیت زندگی، مشهد: سازمان بین‌المللی مطالعات دانشگاهی، قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/1131591>
- سخامهر، مینا و صداقتی‌فرد، مجتبی (۱۳۹۴). سنجش آگاهی سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن با تاکید بر مشارکت سیاسی، مجموعه مقاله‌های کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران: شرکت مدیران ایده‌پردازان پایتخت ایلیا، قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/436454>

- شعبانی، زینب و یزدخواستی، بهجت (۱۳۹۳). پائین بودن آگاهی و مشارکت سیاسی زنان، پژوهش‌های سیاسی، ۴(۱): ۵۱-۶۵.
- شهرام‌نیا، سید امیر مسعود و ملائی، صابر (۱۳۸۹). تحلیل تأثیر آگاهی سیاسی معلمان بر شرکت در انتخابات؛ مطالعه موردی معلمان نواحی (۱) و (۳) اصفهان، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۶(۱): ۱۳۵-۱۶۶.
- علمی، محمود (۱۳۸۷). جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان، زن و مطالعات خانواده، ۱۱(۱): ۱۵۳-۱۷۶.
- علی‌پور خدادادی، محمدرضا؛ پریرزاد، رضا و الهی‌منش محمدحسن (۱۳۹۸). عوامل موثر بر قشربندی، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی جامعه خوزستان بعد از انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۲(۴): ۸۷۷-۸۹۷.
- کبیری، افشار؛ سعادت، موسی و قاسمی، الناز (۱۳۹۸). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تبیین آگاهی سیاسی دانشجویان، مطالعات رسانه‌های نوین، ۵(۱۹): ۲۳۱-۲۶۰.
- گرانمایه‌پور، علی و نعمتی، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی نقش وبلاگ‌ها در شکل‌گیری آگاهی‌های سیاسی-اجتماعی دانشجویان کارشناسی ارشد رشته ارتباطات ورودی ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۵(۲۸): ۳۵-۷۶.
- مسعودنیا، حسن؛ گلمرادی، گلمراد و محمدی‌فر، نجات (۱۳۸۸). تأثیر آگاهی سیاسی دانشجویان بر تغییر نگرش آنها نسبت به مشروعیت نظام سیاسی بر اساس نظریه ویر: مورد مطالعه دانشگاه اصفهان، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۴(۴): ۲۰۱-۲۳۲.
- مسعودنیا، حسن؛ محمدی‌فر، نجات و محمدی، منصور (۱۳۹۱ الف). نقش رسانه‌های الکترونیکی در میزان آگاهی سیاسی دانشجویان، پژوهش‌های سیاسی، ۴(۴): ۹-۲۳.
- مسعودنیا، حسین؛ محمدی‌فر، نجات؛ مرادی، گلمراد و فروغی، عاطفه (۱۳۹۱ ب). بررسی عوامل اجتماعی-روان‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی استادان دانشگاه؛ مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳(۴): ۱۰۳-۱۲۴.
- مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۷). مقایسه آگاهی سیاسی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره دبیرستان در استان اصفهان، تعلیم و تربیت، ۲۴(۲): ۵۹-۷۸.

ملکشاهی‌نژاد، وحید(۱۴۰۱). نقش فضای مجازی در سطح آگاهی سیاسی مردم، مجموعه مقاله‌های دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و علوم انسانی، اتاوا: سیویلیکا، قابل دسترس در: <https://civilica.com/doc/1478590>
 مولایی، محمدرضا(۱۳۹۷). نقش دانش و اعتماد سیاسی در پیش‌بینی علاقه‌مندی دانشجویان به مشارکت سیاسی، دانش سیاسی، ۱۴(۱): ۱۴۱-۱۶۳.

واقف، مریم و رحمان‌زاده، سید علی(۱۳۹۷). بررسی رابطه استفاده از اخبار رسانه ملی با سطح آگاهی سیاسی زنان (مورد مطالعه: زنان ۲۰ تا ۶۵ سال منطقه ۲ تهران)، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱۰(۲): ۷۳-۸۷.

هرسیج، حسین؛ نوعی باغبان، سید مرتضی و صادقی نقدعلی، زهرا(۱۳۹۳). بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای و آگاهی سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان، پژوهش‌های ارتباطی، ۲۱(۷۹): ۳۳-۵۴.

- Althubetat, Q. (2018). Impact of the Subject of Political Science on Students Awareness in Petra University: A Case of Jordan. *Journal of Politics and Law*, 11(4), 170-180, doi: 10.5539/jpl.v11n4p170.
- Althubetat, Q., and Jarrar, A. G. (2013). The Impact of Teaching Political Science on Political Awareness of Petra University Students: A Jordanian Case. *Research on Humanities and Social Sciences*, 3(6), 112-121.
- Beck, S., Bergenholtz, C., Bogers, M. & Brasseur, T. M. (2020). The Open Innovation in Science Research Field: A Collaborative Conceptualisation Approach. *Industry and Innovation*, 29(2), 136-185, doi: 10.1080/13662716.2020.1792274.
- Dempster, G., Sutherland, G. & Keogh, L. (2022), Scientific Research in News Media: A Case Study of Misrepresentation, Sensationalism and Harmful Recommendations, *Journal of Science Communication*, 23(1): 1-23, doi: 10.22323/2.21010206.
- Kristensen, N. N., Denk, T., Olson, M. & Solhaug, T. (2021). Introduction. In N. N. Kristensen, T. Denk, M. Olson & T. Solhaug (Eds.). *Perspectives on Political Awareness* (pp. 1-12). Cham: Springer, doi: 10.1007/978-3-030-90394-7.
- Rapeli, L. (2014). *The Conception of Citizen Knowledge in Democratic Theory*. New York: Basingstoke Palgrave.
- Strauss, A. and Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks: Sage Publications.

Zetra1, A., Talib, K. A., Yanuar, F. & Marisa, S. (2022). Political Awareness, Knowledge, and Participation Relationship Using Structural Equation Modeling Approach. *Jurnal Wacana Politik*, 7(1), 46-56.